Family Pathology, Counseling & Enrichment Journal
2017. Vol. 2, N. 2 (4), 1-13

مجله آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده
۱۳۹۵، ۲، ۲ (پیاپی ٤): ۱۳-۱

دریافت مقاله: ۱۶/۰۸/۱۳۹۵ پذیرش نهایی: ۱۱/۱۲/۱۳۹۵

باورهای ارتباطی و تراز بی‌ثباتی پیوند زناشویی در زنان و مردان متأهل

Communicational beliefs level of marriage instability among married men and women

علی‌رضا جمشیدی *
حسین صاحبدل **
زینب شکوری ***

Alireza Jamshidi
Hossien Sahebdel
Zynab Shakory

چکیده

شناخت، تفکرات و باورها نقش برجسته‌ای در زندگی زناشویی و روابط همسران دارند. شناسایی آن‌ها می‌تواند در آشکار ساختن پیش‌زمینه‌های بی‌ثباتی زندگی زناشویی کارساز باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی همبستگی میان باورهای ارتباطی و تراز بی‌ثباتی پیوند زناشویی در زنان و مردان متأهل به انجام رسید. روش پژوهش پیمایشی است. جامعه آماری آن کلیهٔ دانشجویان متأهل دانشگاه شهید بهشتی تهران بودند و از میان آن‌ها ۱۵۰ نفر (۷۴ نفر مرد و ۷۶ نفر زن) به روش نمونه‌گیری در دسترس گزینش شدند. ابزار گردآوری داده‌ها دربرگیرنده پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBI) و سیاهه بی‌ثباتی پیوند زناشویی (MII) بود. داده‌ها با به‌کارگیری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه، واکاوی شد. برآمدها نشان داد میان باور به مخرب بودن مخالفت با بی‌ثباتی پیوند زناشویی، همبستگی هماهنگ معنی‌داری وجود دارد. (P<0.05 r ۰.۲۷=). همچنین میان باورهای ارتباطی کل با بی‌ثباتی پیوند زناشویی، نیز همبستگی هماهنگ معنی‌داری وجود دارد (r=0.16 P<0.05) افزون بر آن، برآمدهای رگرسیون گام‌به‌گام آشکار ساخت که باور به مخرب بودن مخالفت توانست در دو گام نزدیک به ۰/۰۷ درصد واریانس بی‌ثباتی پیوند زناشویی را تبیین کند. برآمدهای این پژوهش می‌تواند در راستای شناسایی پیش‌زمینه‌های فروپاشی، بی‌ثباتی زندگی زناشویی، یافتن راه‌حل‌های کارآمد برای آن، انجام مداخلات بالینی و آموزش‌های درخور کارساز باشد.

واژگان کلیدی: *باورهای ارتباطی، بی‌ثباتی پیوند زناشویی، مردان و زنان*

Abstract

The cognition, thoughts, and beliefs play a prominent role in the marital life and spouses' relationship. Recognizing them can be helpful to reveal the foregrounds of marital life instability. The current study carried out with the aim of the investigation the correlation between relationship beliefs and level of marriage instability among the married men and women. The study method was survey. The statistical population consisted of all married students of Shahid Beheshti University that among them 150 subjects (74 men and 74 women) selected by convenient sampling method. The data gathering instruments included Relational beliefs inventory (RBI) and Index of Marriage instability (MII). The data were analyzed by using Pearson' correlation coefficient and multiple regression. The finding indicated that there are significant correlation between the belife of disagreement is destructive with marriage instability (r=0.27, P<0.05). In addition, there are significant relationship between total relationship beliefs with marriage instability (r=0.16, P<0.05). Moreover, the result of Stepwise regression analysis revealed that the belief of disagreement is destructive in two steps, could explain 0.07 percent of variances of marriage instability. The findings of this study can be beneficial to identify the foregrounds of collapse, marital life instability, finding effective strategies for it, carried out the clinical interventions and proper trainings.

Keywords: *communicational beliefs, marriage instability, men and women*

*. کارشناس ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول) alr_jamshidi@yahoo.com
**. گروه مشاوره واحد قاینات، دانشگاه ازاد اسلامی، قاینات، ایران
***. کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

مقدمه

ازدواج کمابیش در همه جوامع، آیینی با ارزش انگاشته می‌شود ازدواج و رابطهٔ زناشویی بن‌مایه حمایت، صمیمیت[1] و لذّت آدمی است. از طرفی ازدواج مایه پیدایش همکاری، همدردی، دل‌بستگی، مهربانی، بردباری و مسئولیت‌پذیری در برابر خانواده خواهد بود (بات،۲۰۰۵؛ مداتیل وبنشف،۲۰۰۸). دگرگونی‌های فنّاوری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی در دگر گونی کارکرد اولیهٔ ازدواج که دربرگیرنده عشق، مهرورزی و صمیمیت میان زن و شوهر است، نقش بنیادی داشته است (برگرو هانا،۱۹۹۹). ازآنجاکه امروزه بسیاری از ازدواج‌ها به جدایی انجامیده و یا دست‌کم از استواری درخوری برخوردار نبوده و همچنین با در نظر گرفتن پیامدهای طلاق، شناسایی عوامل زیربنایی این چالش از راه انجام پژوهش‌های گوناگون و روی جمعیت‌های ناهمسان بایسته به نظر می‌رسد.

بی‌ثباتی ازدواج[2] همراه مفاهیمی مانندِ ازهم‌پاشیدگی زناشویی[3]، گسستن روابط زناشویی،[4] طلاق[5]، کیفیت زناشویی پایین[6] و ترک کردن[7]، استفاده‌شده است (براون و همکاران، ۲۰۰۶). در تعریفی روشن‌تر از بی‌ثباتی ازدواج می‌توان گفت که این اصطلاح برای مشخص کردن گرایش یک زوج به انحلال ازدواج اشاره دارد. بی‌ثباتی ازدواج در این تعریف دربرگیرنده سه حالت است که عبارت‌اند از: ۱-یک وضعیت عاطفی (من چه احساسی درباره ازدواجم دارم)، ۲- نگرانی‌های شناختی رابطه (من چگونه به برآمد احساسم می‌اندیشم یا در پس احساس من چه اندیشه‌ای وجود دارد؟) و ۳- کنش‌های آشکار (به‌راستی پس از احساسم و اندیشه‌های متعاقب آن دست به چه‌کارهایی می‌زنم؟) (وایت، لو و لوین، ۲۰۰۹).

در تعریفی دیگر، مفهوم بی‌ثباتی ازدواج به‌عنوان گرایش زوج به طلاق اشاره دارد که این جستار دربرگیرنده دو حالت است:۱-حالتی شناختی (اندیشیدن درباره این موضوع که آیا ازدواجشان در وضعیت دشواری قرار دارد یا فکر به وقوع پیوستن طلاق) و ۲-حالت رفتاری (عملی که فرد درنتیجه

[1].intimacy
[2]. marital instability
[3].Marital dissolution
[4]. Marital relationship disruption
[5].divorce
[6]. Low quality of marriage
[7]. desertion

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

احساسش و یا در گفتگو با همسرش درباره طلاق انجام می‌دهد). بی‌ثباتی ازدواج از عوامل درون فردی و میان فردی متعددی نشئت می‌گیرد. در این میان، یکی از عوامل درون فردی مؤثر بر بی‌ثباتی ازدواج، باورهای ارتباطی[۱] همسرها است.

مطالعات دیدگاه شناختی و ارتباطی در مسائل زناشویی و مطالعه عوامل مؤثر بر آن نشان داده‌اند که شناخت، تفکرات و باورها نقش زیادی در زندگی زناشویی و روابط همسرها ایفا می‌کنند در رویکرد شناخت درمانی بک[۲] بر مفروضه‌ها و باورهای موجود در طرح‌واره‌های شناختی زن و شوهر تأکید شده است. به نظر بک وقتی طرح‌واره‌های شناختی تحت تأثیر تحریفات شناختی قرار می‌گیرند، حکم باورهای غیرمنطقی را پیدا می‌کنند و این باورهای افراطی و بسیار مطلق باعث می‌شوند نظام تفسیری همسرها به‌صورت غیرمنطقی و نادرست عمل کند (درایدن،۲۰۰۳).

اپستین و ایدلسون (۱۹۸۱) در مطالعات خود نشان دادند که میزان باورهای غیرمنطقی در بازه‌ی رابطه زناشویی پیش‌بینی کننده‌ی نیرومندی برای آشفتگی زندگی زناشویی است. این باورها عبارت‌اند از:۱- توقع ذهن‌خوانی[۳]: انتظار اینکه بدون نیاز به گفتن و اظهارنظر کردن فرد باید احساسات، افکار و نیازهای همسر خود را بداند.۲- کمال‌گرایی جنسی[۴]: انتظار از همسر در ایجاد رابطه جنسی در همه موقعیت‌ها بدون توجه به وضعیت او. ۳- باور در مورد ناهمسانی‌های جنسیتی:[۵] نداشتن درک درست از ناهمسانی‌های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد، به‌صورت انتظار یکسان داشتن، یا ناهمسانی‌های مادر زادی را علت اختلافات دانستن. ۴- باور به تخریب‌کنندگی مخالف[۶]: به معنای نپذیرفتن، ناراحتی و تفسیر منفی اختلاف‌نظرها. ۵- باور به تغییرناپذیری همسر[۷]: اعتقاد به نداشتن توانایی همسر در تغییر رفتارها و تکرار شدن آن‌ها در آینده (برنشتاین و برنشتاین،۱۹۸۶).

نقش باورهای ارتباطی در مسائل زناشویی در پژوهش‌های متعددی موردبررسی قرارگرفته است. برای مثال مولر و وانزیل (۱۹۹۱) در پژوهشی بین باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی ارتباط

[1]. communicational belief
[2].Beck
[3].mind reading is expected
[4].sexual perfection
[5].the sex are different
[6].disagreement is destructive
[7].partner cannot change

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

معنی‌داری را نشان دادند. هامامسی (۲۰۰۵) در پژوهش خود با نام بررسی ارتباط بین باورهای ارتباطی و سازگاری و رضایت زناشویی، نشان داد که بین این دو متغیر ارتباط معنی‌داری وجود دارد. هافرکامپ[1] (۱۹۹۴) در بررسی رابطه بین باورهای ارتباطی و رفتار متعارض دریافت که باورهای ارتباطی همبستگی بالایی با اختلاف زناشویی دارد.

پژوهش گیلبرت و همکاران (۲۰۰۰) نیز رابطه بین باورهای نقش جنسیتی[2] و بی‌ثباتی ازدواج را مورد تائید قرار داده است. سیمون و مارکوزن (۱۹۹۹) در پژوهشی با نام انتقال‌های زناشویی، باورهای زناشویی و سلامت روان زوجین به بررسی این موضوع پرداختند که آیا باورهای افراد درباره عملکرد، مطلوبیت و اهمیت تعدیل‌کننده‌های ازدواج بر انتقال زناشویی اثر دارد. یافته‌های آنان حاکی از این بود که باورهای افراد به‌طور نظام‌مندی بر زندگی زناشویی اثرگذار است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که اپستاین، پرتزر و فلمینگ (۲۰۰۶) در پژوهشی به نقش ارزیابی شناختی در گزارش خود از ارتباطات زناشویی پرداختند یافته‌های آنان نشان داد که شناخت نقش مهمی در پاسخ‌های زوجین به ارتباط با یکدیگر ایفا می‌کند و برداشت‌ها از ارتباط همسر چندبعدی هستند. نتایج پژوهش ویلوبای (۲۰۱۴) با موضوع نقش باورهای زناشویی به‌عنوان یک مؤلفه عملکرد رابطه مثبت نشان داد که باورهای زناشویی به‌طور قابل‌توجهی با ادراکات افراد از رابطه سالم که در آن باورهای مثبت‌تر در مورد ازدواج به‌طور غیرمستقیم با ادراکات افراد از رضایت بیشتر و ثبات بیشتر در ارتباط بودند همراه بود.

در جمع‌بندی مبانی نظری و پژوهشی ذکرشده باید گفت، مسائلی مانند برداشت‌های منفی همسرها، داشتن معیارهای انعطاف‌ناپذیر، تعصب‌های شخصی و سوءتفاهم یا درک نکردن صحبت‌های یکدیگر آن‌طور که هست در اغلب ازدواج‌ها موجب نارضایتی زوجین شده و بر جنبه‌های مثبت ازدواج غلبه می‌یابد. با توجه به تمهیدات یادشده و ناکافی بودن پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه (مخصوصاً در فرهنگ ایرانی) هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین باورهای ارتباطی با بی‌ثباتی ازدواج تعیین شد تا از این طریق گام مؤثری در جهت شناسایی پیش‌زمینه‌های فروپاشی و بی‌ثباتی زندگی زناشویی و کشف راه‌حل‌های مؤثر در این زمینه برداشته شود. بر این اساس، سؤالات پژوهش حاضر عبارت‌اند از:۱- رابطه

[1]. Haferkamp
[2].gender role beliefs

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

هر یک از مؤلفه‌های باورهای ارتباطی با بی‌ثباتی ازدواج چگونه است؟ ۲- هر یک از مؤلفه‌های باورهای ارتباطی به چه میزان بی‌ثباتی ازدواج را تبیین می‌کنند؟

روش

پژوهش حاضر در چهارچوب یک طرح غیرآزمایشی، از نوع همبستگی انجام‌شده است. ۱۵۰ نفر (۷۶ مرد و ۷۴ زن)، متأهل به روش نمونه‌گیری از جامعه در دسترس انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از تحلیل همبستگی پیرسان[1] و رگرسیون چندگانه[2] استفاده گردید.

ابزار

پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBI)[3]. این پرسشنامه به‌منظور اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی به دست ایدلسن و اپستین (۱۹۸۱) ساخته‌شده و به دست پور اعتماد و مظاهری (۱۳۸۰) به فارسی ترجمه شد. این پرسشنامه دارای ۴۰ پرسش است که هر پرسش در طیف لیکرت به‌صورت ۶ گزینه‌ای از ۰(کاملاً غلط) تا ۵ (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود و برای نمره‌گذاری همه نمره‌ها باهم جمع می‌شود و نمره به‌دست‌آمده نمره باورهای ارتباطی فرد را تشکیل می‌دهد. این پرسشنامه دارای پنج خرده آزمون است که عبارت‌اند از: باور به تخریب‌کنندگی مخالف (۱، ۶ ، ۱۱ ، ۱۶*،۲۱ ،۲۶، ۳۱ ، ۳۶*)، باور به تغییرناپذیری همسر (۸ ۱۳ *،۱۸، ۲۳، ۲۸*، ۳۳*، ۳۸)، توقع ذهن‌خوانی (۲*، ۷*،۱۲ ، ۱۷، ۲۲، ۲۷ ،۳۲ ،۳۷)، کمال‌گرایی جنسی (۴، ۹*، ۱۴، ۱۹، ۲۴*، ۲۹ *، ۳۴ *،۳۹) و باور در مورد ناهمسانی‌های جنسی (۵*،۱۰ ،۲۰ *، ۲۵*،۳۰، ۳۵، ۴۰). همسانی درونی آن در پژوهش‌های بی‌شماری موردبررسی قرارگرفته است ازجمله الیری (۱۹۸۷، به نقل از حیدری و همکاران، ۱۳۸۴) همسانی درونی آن را ۷۲ تا ۸۱ درصد گزارش کرده است. در پژوهش حاضر آلفای کرون باخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۶ به دست آمد.

[1].Pearsonian correlation coefficient
[2].stepwise regression
[3]. Relational beliefs inventory (RBI)
*. شمار گویه هایی که با علامت ستاره مشخص شده اند، معکوس نمره گذاری می شوند.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

سیاهه بی‌ثباتی ازدواج[1]. سیاهه بی‌ثباتی ازدواج، یک ابزار ۱۴ پرسشی است که برای اندازه‌گیری نبود ثبات ازدواج زناشویی به دست (ادواردز و همکاران[2]،۱۹۸۷، به نقل از ثنایی،۱۳۸۷) تدوین‌شده است. این آزمون برای نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در برای ۲۰۳۴ زن و مرد متأهل زیر ۵۵ سال و همچنین برای زن و مرد متأهل ۱۵۷۸ در سال ۱۹۸۳ بکار گرفته شد. روایی این سنجه در پژوهش-های بی‌شماری موردسنجش و تائید قرارگرفته است و همبستگی مثبت آن با سنجه‌های مربوط به مشکلات و اختلافات زناشویی و همبستگی منفی آن با سنجه‌های مربوط به همکنش و خرسندی زناشویی همبستگی مورد تائید قرارگرفته است. پایایی این سنجه با روش آلفای کرون باخ ۹۳٪ گزارش‌شده است (ثنایی، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر آلفای کرون باخ برای کل پرسشنامه ۰/۵۱ به دست آمد.

شیوهٔ اجرای پژوهش

در گام نخست ابزار پژوهش آماده گردید و در گام دوم در اختیار هر آزمودنی قرار داده شد و ضمن توضیحاتی در زمینهٔ هدف پژوهش و شیوه تکمیل سنجه‌های استفاده‌شده به دست پژوهشگران، موارد اخلاقی زیر نیز رعایت گردید:

در آغاز پژوهش، با روشنگری صادقانهٔ اهداف طرح، بر کسب رضایت آگاهانه از افراد برای شرکت در پژوهش پرداخته خواهد شد.

در اجرای پژوهش، کوشش بر آن خواهد بود که با برپایی ارتباط کارآمد با آزمودنی‌ها، آن‌ها را ازلحاظ مشکلات احتمالی (اضطراب برآمده از پاسخ دادن به آزمون، کاهش عزت‌نفس یا اعتمادبه‌نفس، نگرانی آزمودنی‌ها در رابطه با تأثیر نتایج بر سرنوشت آن‌ها) موردحمایت قرار داد

رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات هم از سوی پژوهشگر کاملاً حفظ خواهد شد.

در همه اقدامات اجرای پژوهش کوشش خواهد شد تا هیچ‌گونه آسیب روانی، اجتماعی به شرکت‌کنندگان در پژوهش وارد نگردد.

[1]. Marital Instability Index(MII)
[2]. Edwards

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

یافته‌ها

همه آزمودنی‌ها در سنین ۲۷ تا ۳۸ سال قرار داشته، مدرک تحصیلی آن‌ها کارشناسی و کارشناسی ارشد بوده و ازنظر میزان درآمد و طبقه اجتماعی و فرهنگی کم‌وبیش همگون بوده‌اند. ابزار پژوهش به دست پژوهشگران در محیط دانشگاه و خوابگاه به آزمودنی‌ها ارائه شد.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد باورهای ارتباطی و بی‌ثباتی ازدواج

شاخص / متغیر	میانگین	انحراف معیار
۱. باور به مخرب بودن مخالفت	۱۷/۳۵	۶/۱۴
۲. توقع ذهن‌خوانی	۲۱/۱۰	۴/۷۶
۳. باور به عدم‌تغییر پذیری همسر	۱۹/۲۴	۵/۰۳
۴. کمال‌گرایی جنسی	۲۱/۵۱	۵/۴۷
۵. باور در مورد ناهمسانی‌های جنسیتی	۲۰/۶۷	۴/۱۳
۶. باورهای کلی	۹۹/۸۹	۱۷/۳۶
۷. بی‌ثباتی ازدواج	۹/۹۷	۷/۱۵

جدول ۱ نشان می‌دهد که باورهای توقع ذهن‌خوانی و کمال‌گرایی جنسی دارای بیشترین میانگین هستند.

جدول ۲. همبستگی میان نمرات باورهای ارتباطی و بی‌ثباتی ازدواج

شاخص / متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. باور به مخرب بودن مخالفت	۱						
۲. توقع ذهن‌خوانی	۰/۱۹*	۱					
۳. باور به عدم‌تغییر پذیری همسر	۰/۳۴**	۰/۳۲**	۱				
۴. کمال‌گرایی جنسی	۰/۳۹**	۰/۳۲**	۰/۴۴**	۱			
۵. باور در مورد ناهمسانی‌های جنسیتی	۰/۴۵**	۰/۰۷	۰/۳۰**	۰/۳۸**	۱		
۶. باورهای کلی	۰/۷۳**	۰/۵۵**	۰/۷۰**	۰/۷۵**	۰/۶۲*	۱	
۷. بی‌ثباتی ازدواج	۰/۲۷**	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱۶*	۱

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

نتایج ضریب همبستگی پیرسان در جدول (۲) نشان می‌دهد که میان باور به مخرب بودن مخالفت از مؤلفه‌هایِ باورهای ارتباطی و باورهای ارتباطی کل، با بی‌ثباتی ازدواج، همبستگی مثبت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون گام‌به‌گام باورهای ارتباطی بر بی‌ثباتی ازدواج

مدل	متغیر	شاخص	SS	DF	MS	F	P	R	R^2	SE
۱	باور به مخرب بودن مخالفت	رگرسیون	۵۳۶/۴۷	۱	۵۳۶/۴۷	۱۱/۲۰	۰/۰۰۱	۰/۲۶۵	۰/۰۷۰	۶/۹۱
		باقیمانده	۷۰۸۵/۴۱	۱۴۸	۴۷/۸۷					

جدول ٤. خلاصه ویژگی‌های آماری رگرسیون گام‌به‌گام باورهای ارتباطی بر بی‌ثباتی ازدواج

متغیر	B	SE	β	t	P
باور به مخرب بودن مخالفت	۰/۳۰۹	۰/۰۹۲	۰/۲۶۵	۳/۳۴	۰/۰۰۱

نتایج جداول (۳) و (۴) نشان می‌دهد که متغیر باور به مخرب بودن مخالفت از مؤلفه‌هایِ باورهای ارتباطی، پیش‌بینی کننده بی‌ثباتی ازدواج است. بر پایه این نتایج F مشاهده‌شده معنی‌دار است ($P<۰/۰۵$) و ۰/۰۷۰ درصد واریانس مربوط به بی‌ثباتی ازدواج به‌وسیله باور به مخرب بودن مخالفت تبیین می‌شود. ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهند که متغیر باور به مخرب بودن مخالفت ($t= ۲/۳۴، \beta= ۰/۲۶۵$) می‌تواند واریانس بی‌ثباتی ازدواج را به‌طور معنی‌دار تبیین کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط میان باورهای ارتباطی و میزان بی‌ثباتی ازدواج در دانشجویان متأهل انجام شد. نتایج تحلیل همبستگی پیرسان نشان داد که میان نمره کلی باورهای ارتباطی و خرده سنجه باور به تخریب‌کنندگی مخالف با بی‌ثباتی ازدواج همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد. این نتایج با نتایج برآمده از پژوهش‌های مولر و وانزیل (۱۹۹۱)، هافرکامپ (۱۹۹۴)، سیمون و مارکوزن (۱۹۹۹)، هامامسی (۲۰۰۵)، اپستاین، پرتزر و فلمینگ (۲۰۰۶) و ویلوبای (۲۰۱۴)

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

همخوانی دارد. در پژوهش‌های مذکور نیز رابطه باورهای ارتباطی با بی‌ثباتی ازدواج مورد تائید قرارگرفته است.

در تبیین احتمالی این نتایج باید گفت ارتباط زناشویی و تعاملات همسرها از عوامل بی‌شماری تأثیر می‌پذیرد. در این میان یکی از عوامل برجسته و کارساز در شیوه همکنش زوجین، نظام باورهای آن‌ها است .باورهایی که همسرها دارند و شیوه نگرش آن‌ها به پدیده‌های موجود در ارتباط می‌تواند ثبات و یا نبود ثبات را در رابطه تعیین نماید. بک معتقد است که برجسته‌ترین علت مشکلات زناشویی و روابط انسانی، سوءتفاهم و خطاهای شناختی و افکار خودکار (خود به خودی) است. به باور او نایکسانی در شیوه نگرش افراد مایه بروز اختلافات و پیامدهای برآمده از آن می‌شود. هم‌چنین او معتقد است که یکی از برجسته‌ترین علل اختلافات زناشویی، انتظارات گوناگون زن و شوهر از نقش یکدیگر در خانواده است. بیشتر همسرها درباره دخل‌وخرج خانواده، نگه‌داری فرزندان، فعالیت‌های اجتماعی، گذران اوقات فراغت و تقسیم‌کار در خانواده، باورهای ناهمسان دارند (بک،۱۹۸۸). همسرها دارای باور تخریب‌کنندگی مخالف، آماده نیستند اختلافات پیش‌آمده را درک کنند و تفسیرهای نامناسب و تفرقه‌افکنی را در این موارد اظهار می‌دارند (اپستین و ایدلسون، ۱۹۸۱). از طرفی هرگاه همسران نتوانند در مورد اختلافات پیش‌آمده تصمیم درست را اتخاذ کنند، این اختلافات تندی یافته و در گستره زندگی آنان متجلی می‌شود. این باور که در هنگام وجود کشمکش یک نفر باید کنار بکشد و بی‌گمان در این میان حق با یک نفر است، می‌تواند بنیاد اختلافات را تقویت نماید (هنری و میلر، ۲۰۰۴). از گلایه‌های همیشگی همسرها می‌توان منفی بودن تعاملات هرروزه آن‌ها را نام برد. همسرهای آشفته، در سنجش با همسرهای خوشبخت، بیش‌تر رفتار منفی همسرشان را مطرح می‌کنند. به‌هرحال همسرها آشفته گرایش دارند که بر پایه «مقابله‌به‌مانند» به رفتارهای منفی همسرشان پاسخ دهند. به‌عبارت‌دیگر در یک رابطه آشفته اگر یک از همسرها به‌طور منفی رفتار کند، دیگری نیز به‌طور منفی پاسخ خواهد داد. در برابر، رفتارهای همسرها دارای رضایت زناشویی، کم‌تر تحت تأثیر رفتارهای همسرشان است. همسرها راضی در برابر اعمال گذشته همسرشان واکنش ویژه‌ای نشان نمی‌دهند (فورمن، ۲۰۰۲). با توجه به جستارهایی که ذکر شد می‌توان گفت، ثبات و پایداری ازدواج تا اندازه زیادی به تفکرات

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

و باورهای موجود در رابطه برمی‌گردد و تغییر در نظام باور زوج می‌تواند تغییر در تداوم ازدواج را در پی داشته باشد؛ بنابراین می‌توان گفت باورهای ارتباطی و در رأس آن‌ها باور تخریب‌کنندگی مخالف، نقش برجسته‌ای در نبود ثبات و فروپاشی ازدواج ایفا می‌کند و وجود رابطه همبستگی میان این متغیرها منطقی به نظر می‌رسد.

نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که باور تخریب‌کنندگی مخالف ٪۷۰ از واریانس بی‌ثباتی ازدواج را تبیین می‌کند. این نتایج نیز با نتایج برآمده از پژوهش‌های مولر و وانزیل (۱۹۹۱)، هامامکی (۲۰۰۵) و هافرکامپ (۱۹۹۴)، سیمون و مارکوزن (۱۹۹۹)، اپستاین، پرتزر و فلمینگ (۲۰۰۶) و ویلوبای (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

در تبیین احتمالی این نتایج همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد می‌توان گفت، همسرها در هنگام بروز کشمکش به دو صورت می‌توانند عمل کنند ۱. کشمکش را یک مشکل بیرونی تلقی کرده و هردو در برابر آن با یکدیگر همکاری نمایند. ۲. هریک به دنبال یافتن مقصر بوده و نقش خود را نادیده بگیرد (فورمن، ۲۰۰۲). همسرهایی که باور تخریب‌کنندگی مخالف در آن‌ها چیره است راه‌حل دوم را گزینش کرده و این امر منجر به تداوم کشمکش و تندی گرفتن آن می‌شود. به‌طورکلی هرچه این باور در زوج ضعیف‌تر باشد آن‌ها به‌احتمال بیشتری اختلافات را به گونه درست حل نموده و مانع از پایدار بودن و مزمن شدن آن می‌شوند (اپستین و ایدلسون، ۱۹۸۱). هرگاه همسران به این باور برسند که اختلافات حل ناشدنی بوده و نتوانند وجود ناراحتی و کشمکش در روابط را به‌عنوان بخش جدانشدنی یک ارتباط دونفره بپذیرند، بی‌گمان دچار دودلی شده و قادر به اتخاذ تصمیمات درست نخواهند بود (بک،۱۹۸۸). درواقع باور به تخریب‌کنندگی مخالف که همان نپذیرفتن اختلافات و دنبال نمودن مقصر است، در بسیاری زمان‌ها می‌تواند عامل اصلی طلاق باشد (اپستین و ایدلسون، ۱۹۸۱). با توجه به تمهیدات ارائه‌شده، منطقی است که وجود باور تخریب‌کنندگی مخالف نقش برجسته‌ای در پیش‌بینی ناپایداری و بی‌ثباتی ازدواج ایفا می‌نماید؛ و این متغیر می‌تواند پیش‌بینی کننده نیرومندی برای فروپاشی رابطه زناشویی باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر کاربردهای نظری و عملی را القاء می‌نماید. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر بر نقش تعیین‌کننده باورهای ارتباطی در ثبات و تداوم ازدواج دلالت دارد. همچنین

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

در سطح نظری، هنوز مفهوم بی‌ثباتی ازدواج و عوامل پیش‌بینی کننده آن، موردتوجه جدی پژوهشگران داخلی قرار نگرفته است. ازاین‌رو پژوهش حاضر می‌تواند نقش باارزشی در جلب‌توجه پژوهشگران به این متغیرها ایفا نماید. در سطح عملی نیز با توجه به تأثیرگذاری باورهای ارتباطی بر بی‌ثباتی ازدواج، توجه بیشتر به این سازه در زندگی زناشویی و همچنین تقویت باورهای مثبت در راستای تداوم بخشیدن به ازدواج همسرها می‌تواند کارساز باشد. پیشنهاد می‌گردد که مشاوران و متخصصان مسائل ازدواج و خانواده در جهت اتخاذ راهبردهای درمانی و حمایتی کارآمد و راهگشا از نتایج پژوهش حاضر استفاده نمایند. پژوهش حاضر از محدودیت‌های نیز برخوردار است. با توجه به اینکه گروه نمونه را تنها دانشجویان متأهل دانشگاه شهید بهشتی تشکیل می‌دهند و همچنین نبود امکان نمونه‌گیری تصادفی و انتخاب نمونه در دسترس، تعمیم نتایج به‌تمامی اقشار و گروه‌ها باید بااحتیاط صورت بگیرد، ازاین‌رو برای موضع‌گیری بی‌چون و چراتر در بررسی ارتباط میان باورهای ارتباطی و بی‌ثباتی ازدواج در جامعه ایرانی، انجام پژوهش‌های بیشتر در نمونه‌های گوناگون‌تر و در دیگر فرهنگ‌ها، بایسته به نظر می‌رسد.

سپاسگزاری. از همه آزمودنی‌های پژوهش حاضر که با همکاری آن‌ها انجام پژوهش مقدور گردید، نهایت سپاس را داریم.

منابع

پور اعتماد، حمیدرضا و مظاهری، محمدعلی. (۱۳۸۰). سنجه باورهای ارتباطی، چاپ‌نشده، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.

ثنایی، باقر و همکاران (۱۳۸۷). سنجه‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.

حیدری، محمود؛ مظاهری، محمدعلی و پور اعتماد، حمیدرضا، (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت همسر. *فصل‌نامه خانواده پژوهشی*، ۲(۲): ۱۲۰-۱۳۰.

Beck, A.T. (1988). Love is never enough. New York: Harper & Row.

Berger, R. & Hannah, M. (1999).*Preventive Approaches in couples therapy*.Phildelphia: Brunner/ Mazel.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

Bernstein, P., & Bernstein, M. (1986). Marital therapy: A behavioral-communications approach. New York: Pergamon Press.

Booth, A. & Edwards, J. (1985). Age at marriage and marital instability. *Journal of Marriage and Family*, 47, 465-496. National Conucil on Family Relations.

Booth, A. & Johonson, D.R. & Booth, A. (1983). Measuring marital instability. *Journal of Marriage and Family*, 45, 349-387. National Conucil on Family Relations.

Booth, A., Johnson, D., & Edwards, N. J. (1983). Measuring marital instability. *Journal of Marriage and the Family, 45,* 387–394.

Brown.S.L.,Sanchez.L.A., Nock. S. L & 3WrightJ.D. (2006).Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality,stability and divorce: a comparison of covenant versus standard marriage. *Journal of social science research*,35 :457-470.

Dryden. W. (2003). Handbook of individual therapy. Landen. LSSAG Publisher.

Eidelson, R. J., & Epstein, N. B. (1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal ofConsulting and Clinical Psychology, 50(5),* 715-720.

Epstein, N., Pretzer, L.J. & Fleming, B. (2006). The role of cognitive appraisal in self-reports of marital communication. *Behavior Therapy Journal*, 18(1): 51-69.Volume 18, Issue 1, Pages 51-69.

Epstien, N & Eidelson, R.J. (1981). Unrealistic beliefs of clinical couples. Their relationship to expectations, goals and satisfaction. The American journal of family therapy. 4 :13-22.

Forman,L.R. (2002). Clinical Handbook Of Couple Therapy.New York: Guilford.

Guilbert, D. E., Vacc, N. A., & Pasley, K. (2000). The relationship of gender role beliefs, negativity, distancing, and marital instability. The Family Journal, 8, 124-142.

Haferkamp, CJ. (1994). Dysfunctional beliefs, self-monitoring and marital conflict. Current psychology, 13, 263-348.

Hahlweg.K.,&Richter.D. (2010). Prevention of marital instability anddistress. Result of an 11-year longitudinal follow-up study. Journal of Behavior Research Therapy .48(5):377-83. doi: 10.1016/j.brat.2009.12.010.

Hamamci,Z. (2005).Dysfunctional relationship beliefs, inmarital satisfaction and adjustment. Jornal psychology, 47, 28-33.

Henry,R.G. Miller,Rb. (2004).Marital Problems Occurring In Midlife: Implications For Couples Therapists. The American Journal Of Family Therapy,32,405-417

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

Madathil.J.,& Benshoff, J. (2008). Importance of marital characteristics and marital satisfaction:A comparison of Asian Indians in arranged marriages and Americans in marriages of choice. *The Family Journal*, 16(3), 222-230.

Moller,A & Vanzeyl p.d. (1991). Relationship beliefs. Interpersonal perception & marital adjustment. Jornal of clinical psychology.47(1): 6-28.Vol 47, issue 1. pp 6-28.

Simon.R.W. & Marcussen.K. (1999). Marital Transitions, Marital Beliefs, and Mental Health. Journal of Health and Social Behavior, 40(2): 111-125.Vol. 40, No. 2. pp. 111-125.

Waite, L.J., Luo, Y., & Lewin, A.C. (2009). Marital happiness and marital stability: Consequences for psychological well-being. *Social Science Research*, *38*, 201–212. doi:10.1016/j.ssresearch.2008.07.001

Willoughby, B. J., Carroll, J. S., & Busby, D. M. (2012). The effects of "living together": Determining and comparing types of cohabiting couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, *29*, 397–419

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9] [Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.2.1.9] [Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]